

تطبیق تجلی ای از رسول الله (ص) در آینه جود روح الله (ره)

سید محمد امین میرزایی

تقدیم به محضر:

ثامن الحجج، امام رئوف، علی بن موسی الرضا (علیه السلام)
و ثواب آن راهبیه می کنم به محضر شهید کربلا
جناب زهیر بن قین، یار باوفای سالار شهیدان
شهدای گمنام کربلای ایران و والدین بزرگوارم



حوزه هنری استان اردبیل

سرشناسه: موسوی، محمد امین / ۱۳۹۶

عن ابی ہریرہؓ عن النبی ﷺ انہ قال: من قرأ سورة النور، لم يضره شيء من النار.

مشخصات نغز اوردیل / صفتی الویدی / ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۳۵۵

مثلاً: $900 = 9100 - 8200$

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

وَضَعِيَتْ قَهْرِيَّتُكَ فِي يَدِي

موضوع: طبیعت وحشی اسی اروس ہے اللہ سے درپیش (جید روح اللہ)

موضوعہ اخلاق دینی - مضامین تطبیقی

پروہ بندی گنگو: ۵۱۳۸۹ ج ۲۸۳ / ۹ / ۲۷

۲۹۷/۹۳: رده بندی خبری

شماره گدایشنامی منی ۷۸۸۹۷۹

عنوان: حسن مهر/ تطبیق تجلی ای از رسول الله (ص) در آینه وجود روح الله (ره)

نو پسندہ: سید محمد امین موسوی

ویز استاز: مسلمان ناطق

مدیر هنری: مہیار سپہری

ناشر: محقق اردبیلی

تیراژ: ۱۵۰۰

مرکز فروش: اردبیل / خیابان شهید عطایی / کوی فرهنگیان / پلاک ۷۸

تلف: ۰۴۵۱-۲۲۴۷۲۳۴/۰۹۱۲۲۴۴۴۷۶۵



۱۰۵۷۲ مقدمه	۱۰۵۹۱ اصل اهتمام در مسائل سیاسی جامعه
۱۰۵۵۸ الف) عرصه داخلی	۱۰۵۷۳ اصل برانگیختن مردم علیه جباران
۱۰۵۵۹ ب) عرصه بین المللی و منطقه ای	۱۰۵۷۴ اصل برخورداری از رفتار ساده و بی آرایش یا مردم
۱۰۵۵۳ کلیات	۱۰۵۷۵ اصل برخورداری از بصیرت
۱۰۵۵۳ ۱) جایگاه و اهمیت بحث	۱۰۵۸۰ اصل برخورداری از بیانی ساده، روشن و قلمی قدرتمند و هدایتگر
۱۰۵۵۷ ۲) ضرورت نیاز به الگوی کامل و تمام عیار	۱۰۵۸۳ اصل برخورداری از روحیه ی لطیف
۱۰۵۵۹ ۳) انواع الگوها از دیدگاه اسلام	۱۰۵۸۹ اصل پایبندی به سهله و سمحه در رفتار
۱۰۵۵۹ ۴) معیارهای يك الگوی کامل	۱۰۵۹۵ اصل پایبندی به گفته ها
۱۰۵۶۰ الف) تأدیب و متادب بودن الگو	۱۰۵۹۵ اصل پرهیز از مدح شدن
۱۰۵۶۰ ب) وجود هماهنگی بین قول و فعل الگو	۱۰۵۹۶ اصل پنهان نمودن حزن و اندوه در دل
۱۰۵۶۰ ج) داشتن قدرت علمی	۱۰۵۹۷ اصل تسلط بر نفس
۱۰۵۶۰ د) برخورداری از موقعیت اجتماعی	۱۰۵۹۹ اصل تشویق، مجازات و قدردانی
۱۰۵۶۱ ۵) سیره رسول الله (صلی الله) الگوی زندگی	۱۰۶۰۲ اصل تصمیم گیری
۱۰۵۶۳ ۶) واژه شناسی سیره	۱۰۶۰۳ اصل تعاون
۱۰۵۶۳ ۷) حجیت و اعتبار سیره	۱۰۶۰۸ اصل تفکر و تدبیر
۱۰۶۳۰ اصول سیره ای	۱۰۶۰۹ اصل تقویت مسئولیت خواهی و پیگیری
۱۰۶۳۲ اصل احترام به شخصیت افراد و حفظ آبروی آنان	۱۰۶۱۳ اصل تکریم
۱۰۶۳۸ اصل احترام به استاد	۱۰۶۱۶ اصل تکریم و احترام برگان
۱۰۶۳۹ اصل احترام به افکار و سلیقه های متفاوت	۱۰۶۱۹ اصل تکریم مسرد در خانه
۱۰۶۴۰ اصل احترام به قانون	۱۰۶۲۳ اصل تکلیف محوری
۱۰۶۴۰ اصل اخلاص	۱۰۶۲۷ اصل تکیه بر آحاد مردم و اعتماد به آراء ایشان
۱۰۶۴۱ اصل ادب و رزق	۱۰۶۳۳ اصل تواضع و فروتنی
۱۰۶۴۱ اصل استفاده ی بجا و مؤثر از فرصت ها	۱۰۶۳۴ اصل توجه در امور
۱۰۶۴۲ اصل استقلال	۱۰۶۴۰ اصل توجه و احترام به اطرافیان
۱۰۶۴۲ اصل استقلال در تصمیم گیری	۱۰۶۴۳ اصل توجه ویژه نسبت به خانواده شهدا
۱۰۶۴۳ اصل اصلاح رابطه ی خود با خدا	۱۰۶۴۳ اصل توکل
۱۰۶۴۴ اصل اهتمام در سلامتی جسم	

- ۱۴۸۱ | اصل تربیتی در امور سیاسی
- ۱۴۸۲ | اصل جدیت در امور
- ۱۴۸۳ | اصل جلوگیری از سوء استفاده اطرافیان
- ۱۴۸۴ | اصل جهاد و مجاهدات
- ۱۴۸۵ | اصل حریت
- ۱۴۸۶ | اصل حفظ حدود الله
- ۱۴۸۷ | اصل حفظ حریم بیت و خانواده در رعایت زهد
- ۱۴۸۸ | اصل حفظ حیا
- ۱۴۸۹ | اصل حفظ کامل اختیار در امور مکلفین
- ۱۴۹۰ | اصل خدمت به مستضعفان
- ۱۴۹۱ | اصل خواص پروری و تربیت نفوس مستعد
- ۱۴۹۲ | اصل خوش محضری
- ۱۴۹۳ | اصل احترام به حقوق حیوانات
- ۱۴۹۴ | اصل داشتن شجاعت
- ۱۴۹۵ | اصل داشتن عشق و محبت به ولایت
- ۱۴۹۶ | اصل داشتن غیرت دینی
- ۱۴۹۷ | اصل دقت در انتخاب اطرافیان
- ۱۴۹۸ | اصل دوراندیشی و عاقبت بینی
- ۱۴۹۹ | اصل رحمت و محبت
- ۱۵۰۰ | اصل رعایت پاکیزگی و بهداشت
- ۱۵۰۱ | اصل رفق و مذارا
- ۱۵۰۲ | اصل ساده زیستی
- ۱۵۰۳ | اصل سکوت و سخن گفتن بر مبنای تکلیف
- ۱۵۰۴ | اصل شیخ صدر
- ۱۵۰۵ | اصل برخورد صادقانه با امت
- ۱۵۰۶ | اصل صبر و استقامت
- ۱۵۰۷ | اصل عدالت
- ۱۵۰۸ | اصل عدم احتجاب
- ۱۴۳۵ | اصل عدم استرحام
- ۱۴۳۶ | اصل عدم اظهار خستگی
- ۱۴۳۷ | اصل عدم انظلام
- ۱۴۳۸ | اصل عدم تحمیل عقیده و استبداد در نظر
- ۱۴۳۹ | اصل عدم تکلف
- ۱۴۴۰ | اصل عدم تمایز از افراد جامعه در امور زندگی
- ۱۴۴۱ | اصل عدم جاه طلبی
- ۱۴۴۲ | اصل عدم داشتن توقع
- ۱۴۴۳ | در انجام امور شخصی خود از دیگران
- ۱۴۴۴ | اصل عدم سرایت مسائل کاری در حریم خانواده
- ۱۴۴۵ | اصل عدم کناره گیری و ورود در امور مثل دیگران
- ۱۴۴۶ | اصل عدم مدهانه
- ۱۴۴۷ | اصل عزت
- ۱۴۴۸ | اصل فدا کردن همه چیز برای اقامه اسلام
- ۱۴۴۹ | اصل قاطعیت در اداره حکومت
- ۱۴۵۰ | اصل قناعت
- ۱۴۵۱ | اصل کوشایی در تحصیل علم
- ۱۴۵۲ | اصل مدیریت، کارگشایی و رهبری
- ۱۴۵۳ | اصل مراعات حال دیگران
- ۱۴۵۴ | اصل مراعات حق الناس
- ۱۴۵۵ | اصل مساوات
- ۱۴۵۶ | اصل مشارکت در امور خانه
- ۱۴۵۷ | اصل مقابله با مستکبران
- ۱۴۵۸ | اصل مهمان نوازی
- ۱۴۵۹ | اصل نظم و انضباط
- ۱۴۶۰ | اصل نقد پذیری
- ۱۴۶۱ | اصل همت در مطالعه
- ۱۴۶۲ | فهرست منابع و مآخذ

تقریظ و تذکیر

دیدنی ای دل که غم عشق دگر باره چه کرد چون بشد دلبر و بایار وفادار چه کرد
 آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد
 برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد

اراده‌ی ذات باری تعالی بر اساس دورکن رکن حکمت و رحمت بر آفرینش انسان
 تعلق گرفت و او را جامع عوالم ملکوتی و ملکوتی گرداند، تکوین و ترتیب نشئه‌ی
 ملکوتی، جهان استوار و متقن و در تقویم احسن صورت گرفت که آفریننده را به تحسین
 شورا انگیز واداشت و کریمه "فتبارک الله احسن الخالقین" را در شأن خود فرمود، و در
 صورت ملکوتی به شریف عظیم و تکریم بی بدیل و کریمانه‌ی "نفخت فیهِ من
 روحی" مشف و محترم ساخت و بدین سان انسان را جامع جمعیت و مظهر اتم
 اوصاف جمال و جلال گرداند که در صورت وصول قابلیت به ظهور حضور فعلیت
 و نیل به قله‌ی کمال، سر بر فردان تمام ماسوی می‌نهد و در مقعد صدق "عند ملک
 مقتدر" سر بر نشین انس یا محبوب و محرم حرم حضرت غیب الغیوب می‌شود.

حصول به مرتبه‌ی اعلی و وصول درویدی اقصی برای انسان، ناگزیر از سیری است
 که همه‌ی موجودات عالم به مقتضای قابلیت و قصد خود باید سالک آن گردد و از
 گذرگاه پر پیچ و خم آن بگذرد، از نقطه‌ی انعدام امکانیه که وجود برای موجود است
 تا کمال مطلق که غایت عنایت رب العالمین، مسیری است که مراحل و عقبات
 ویژه‌ی خود را دارد و خداوند حکیم و قادر متعال به مقتضای ظرف و وجودی هر
 موجودی مدت محدودی را در هر یک از مراحل و مدارج آن راسخ می‌دهد.

براین اساس اجل و آمد هر انسانی در نشئه‌ی دنیا که از آن به "آدنی مرحله
 الوجود" تعبیر شده است تعیین می‌شود و صد البته سر نوشت این موجود که
 گل سرسبد آفرینش است در همین مرحله رقم می‌خورد که در صورت سیر در
 صراط مستقیم شاکر و گرنه کفور می‌گردد "إنا هدیناه السبیل اما شاکراً و إما کفوراً"
 تقدیر و قوف انسان در هر یک از مواقف خود، محدود به قدری است که ظرفیت
 فعلیت استعداد آن را داشته باشد و گرنه چنانچه فردی از انسان در مسیر الی ...
 سالک باشد پس از نشئه‌ی دنیا در عالم مثال نیز به سیر ادامه داده و به کمال مقصود
 نائل خواهد آمد و به رضوان لقاء بار خواهد یافت.

آنچه در این بزم شور و اشتیاق و جذب و انجذاب مهم است اولاً یقظه و خودآگاهی

سالک است از هدف، که وصول به لقاء... باشد ثانیاً بارقه هایی که با جذبات رحمانی و نفحات سبحانی نصیب مهاجرالی... می گردد و دیگر پس از این عنصر اصلی توقف در دارالغرور دنیا و یا انتقال به عالم مثالی امر چندان مهمی نیست.

عزیز سفر کرده ی ما انسان مؤمن و موحد و سلالة الاطیاب و ثمرة الانجاب سید جلیل القدر و سالک الی... تعالی جناب دکتر سید محمد امین موسوی رضوان... تعالی علیه که نمونه ی بارز و کامل یک جوان تربیت شده در بحبوحه ی فضایل و مکارم اخلاقی اسلامی بود و در عفت و مناعت طبع و طهارت نفس مصداقی از شاب عقیفی، که "کاد ان یکون ملکاً من الملائكة" به شمار می رفت، در خاندان سیادت و نجابت و شرافت نشوونما کرد و در دامن پدر و مادری شریف و نجیب که اهتمام تمام به تربیت اسلامی فرزند خود داشتند، بالید.

خواستگاری چنین با طهارت و طراوت نورانی بر این غنچه و باغبانی سلیم النفس و خوش ذوق و دلسوز او را چون گلی زیبا و معطر پروراند و روح متعالی او را اشتیاقی و صف ناپذیر به جمال و جلال الهی بخشید و نورانیت خود آگاهی و یقظه، از وی مجاهدی در معرکه ی جهاد با نفس، و جذبات روحانی از جنابش مهاجری مشتاق بسوی خدای سبحان ساخت لذا در عنوان جوانی سلوک الی... را وجهی همت خود کرد و تمام امور زندگانی خود از درس و بحث و عبادت و اطاعت و رفاقت و سایر شئون را در مسیر رضایت حق قرار داد، حقیر و سیاه که اکنون سوگمندانه و با قلم شکسته در وصف آن جوان رعنا این کلمات را ترتیب می دهم علاوه بر آشنایی قریب به سی سال با والد بزرگوارش برادر عزیزم جناب آقای حاج سید جمال موسوی زید عزه العالی، چندین سال از نزدیک با روحیات و نورانیت و معنویت و حالات مختلف ایشان آشنا بودم و گواهی می دهم که سید محمد امین نمونه ای از یک جوان مؤمن و موحد و پاک و عقیف و عاقل فرزانه بود که لطافت روحی و ظرائف ذوقی را به خوبی دارا بود، ابتلاء جسمانی که نردبان صعود و بال عروج او در سیر به سوی مقصد اعلی بود جذبات رحمانی و نفحات سبحانی نصیبش کرد و سرانجام دارالغرور دنیا را در نور دید و به دارالسرور عقبی منتقل گردید و به نقش و نگار فریبنده ی فرش خاک آلود پشت پاژ و عرش نشین رضوان اکبر شد.

گرچه، آنچه از فیوضات ربانی مستفیض گشته بود خود دانست و به همراه برد لکن نمودار اندیشه ی پاکش را در تحقیقی زلال تألیف کرد و به امثال و آقران خود یادگار

گذاشت. "سید" با ایمانی استوار و عشقی زاید الوصف به جد مقدسش^۱ این تالیف گرانمایه را شروع کرده، زوایای مختلف موضوع را نگریسته و از منابع ناب بهره برده و دورنمایی از "حسن مهر" را ترسیم کرده و آنگونه که حقیر این مجموعه گل را ملاحظه کرده‌ام در حد خویش به زیبایی از عهده برآمده و طراوت و زیبایی را در برگ برگ آن در معرض مشاهده قرار داده و با ایمانی استوار و باوری شورانگیز به راهی که همان "ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فاتھوا" است و خود راه پیمان و ملتزم آن بود عاشقانه و آشکار بیان کرد و در این غوغای امتزاج حق و باطل و بلکه هجمه‌های رنگارنگ اهواء شیطانی و افکار ظلمانی که طوفان فتنه‌های سهمگین را برانگیخته، به اسوه کامل حقانیت یعنی حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی... علیه و آله وسلم) اقتدا نموده و در اندیشه و عمل حضرتش را الگوی تأم و ناب خویش ساخته است و چه نیکی برای آن صاحب خلق عظیم در عصر حاضر برترین و بهترین مصداق را- یعنی حضرت امام خمینی (قدس سره القدوس) - برگزیده و بصورت تطبیقی تلاش نموده آنچه رسول خدا در کتاب خویش به امت القاء فرموده در وجود یکی از برجسته‌ترین عالمان امت و تربیت‌یافتگان مکتب نبوی که مشهود و محسوس نسل حاضر بوده به منصه‌ی ظهور برساند، و این خود ابتکاری زیبا و درخور توجه است.

برای تربیت چنین وجود پاکی باید که به حضور والدین گرمی‌اش تبریک و تهنیت گفت و عرضه داشت که از فراق این عزیز سفر کرده به واسطه‌ی تقدیر الهی اندوهگین مباشید چرا که آن روح و حقیقت نورانی همواره پایدار خواهد بود و سرانجام همه ما و شما پس از شمول مغفرت و رحمت پروردگار غفور و رحیم در بهشت وصال گرده‌ام خواهیم آمد و رنج و سختی‌ها به پایان خواهد رسید. لذا راهجران عزیز دلتان بردباری پیشه کنید که فردوس پاداش صبرتان است و بر خود بیایید و مباهات کنید که نعمتی به غایت ارزشمند دارید که شما را در دنیا و آخرت در رحمت و رحمت کفایت و شفاعت خواهد نمود "طوبی لکم و حسن مآب"، بر سوز و گداز فایز آمد و بدانید:

باید خلیل بود و به یار اعتماد کرد گاهی بهشت در دل آتش فراهم است

والسلام علیکم وعلی عبادا... الصابین

بیست و ششم رمضان المبارک ۱۴۳۱ / برابر با ۱۵ شهریور ۱۳۸۹

دارالارشاد اردبیل / عادل مولایی

۱/ از سالی که رهبر معظم فرزانه‌ی انقلاب حضرت آیت ا... خامنه‌ای مد ظله العالی بنام پیامبر اعظم صلی... علیه و آله وسلم نام گذاری فرموده بودند.

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیده‌ی ما را انیس و مونس شد
نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد^۱



بدون شک هر انسانی، خراسته یا ناخواسته، در زندگی خود الگو و اسوه‌ای دارد که در امور خویش به او اقتدا کرده، راه او را می‌پیماید تا به سر منزل مقصود برسد. نکته‌ی مهم این است که انسان باید به نسبت شایستگی اسوه‌اش همت داشته باشد تا بدینوسیله از سختی‌های راه برهد و بصیرتی روشن داشته باشد تا راه الگویش را گم نکند و «نعلاً بنعل» پا در جای پای او بنهد.

حال سخن این است که برای چنین امر خطیری چه کسی را باید «الگو» قرار داده و از کدام روش استفاده کنیم؟ بنا به فرمایش «قرآن کریم» هیچ‌کس جز کسانی که خداوند اراده کرده است تا آنان از هرگونه اشتباه و خطایی به دور باشند، شایسته‌ی چنین مسندی نیستند. آری جز رسول خدا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) چه کسی را یارای تکیه بر این جایگاه عالی‌ه‌ی خلقت است؟!^۲

«لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»^۳

«همانا رسول خدا الگو و اسوه‌ای نیکو برای شماست.»

رسولی که برجسته‌ترین خصوصیتش حسن خلق ایشان است. آن حضرت نبی رحمت هستند و با خلق نیکوی خود بدخلق‌ترین و متکبرترین افراد را به صراط مستقیم رهنمون شده‌اند. چنانچه خداوند می‌فرماید: «انک لعلی خلق عظیم»^۴ «ای پیامبر تو دارای بهترین اخلاق هستی.» «ولو کنتم فظاً غلیظ القلب لا نفصّوا من حولک»^۵ «اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند.»

۱- حافظ شیرازی.

۲- احزاب، آیه ۲۱.

ایشان نمونه‌ی کامل عقل و کمال و سرچشمه حکمت و جلال و مظهر علم و شجاعت و پرهیزکاری می‌باشند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نمونه‌ی عالی از «جمع اضداد» اند این خصوصیت، کسانی را که در پی شناخت آن انسان کامل هستند، مات و مبهوت می‌کند. هر کس بخواهد زندگی درست داشته و از مسیر حق و حقیقت خارج نشود و سیر از عالم ملک تا ملکوت را به نحو احسن پیماید، باید سیره‌ی آن حضرت را بشناسد و کاملاً مطیع گردد. بدیهی است بدون شناخت «بیق ایشان نمی‌توان سر مشق صحیحی گرفته، موفق گردید و سعادت‌مند گردید.

امام علی (علیه السلام) همانگونه که می‌فرماید: «از پیامبر پاک و پاکیزه‌ات پیروی کن. زیرا راه و رسمش سر مشق است برای کسی که بخواهد تاسی بجوید و انتسابی است عالی برای کسی که بخواهد منتسب گردد. محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سر مشق گیرد و قدم در جای قدم او گذارد.»^۱

سفیان بن عیینه یکی از اصحاب رسول (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی تاسی بر سیره‌ی مبارک ایشان می‌گوید: «بدرستی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) میزان اکبر است و همه چیز را باید با خلق و سیره و روش و راه و رسم او سنجید و بدان عرضه نمود که اگر با آن موافق بود حق است و چنانچه با آن مخالف بود، باطل.»^۲

«اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و محاتی مات محمد و آل محمد»^۳

ضرورتی که موجب شد در این راه میمون قدم نهاده، توجه جدی‌تری به آن داشته باشیم بیانات مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۸۵ و نامگذاری این سال بنام سال «پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)» بود. ایشان با توجه به مسائل و موضوعات داخلی و مشکلات بین‌المللی، این نامگذاری را رهنمون شدند که براساس آن باید به چند نکته درد و عرصه توجه نمود:

□ الف) در عرصه‌ی داخلی

با توجه به شکل‌گیری و تقویت همبستگی ملی و مشارکت حداکثر مردم در مسائل خاص کشور و داشتن مردمی آماده به کار و جوانانی پرشور، با استعداد و سرشار از امید، بیش از پیش نیازمند بهره‌گیری از الگوی رفتاری مناسب برای حرکت روبه جلو

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۲- خلاصه سیره نبوی، ص ۳۱.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

و شتاب بخشیدن به امور کشور در دو بعد مادی و معنوی هستیم. قطعاً استفاده از سیره و روش عملی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) که الگویی تمام عیار و کامل است، می تواند راهگشا باشد و ما را در مسیر درست تری قرار دهد. در این میان، توجه به درس های اساسی مکتب نبوی از جمله مکارم اخلاق و استقامت و ایستادگی و تبدیل شدن آن به یک فرصت و رویه ی عملی برای مردم و مسئولان ضرورت خواهد داشت.

□ ب) در عرصه ی بین المللی و منطقه ای

به نظر می رسد نامگذاری سال ۱۳۸۵ به عنوان سال پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) ناظر به شیطنت ها و توطئه ها و اقدام های مراکز قدرت جهانی و صهیونیسم بین المللی نسبت به دین مبین اسلام و پیامبر عظیم الشان و جهان اسلام است. پس این نامگذاری در عرصه بین المللی نیز نقطه پیوند عقاید و عواطف همه ی ملت های مسلمان و همه ی امت اسلامی است و می توان امیدوار بود که تمامی مسلمین به ویژه دولت ها و اندیشمندان و صاحب نظران و رسانه ها با درک دقیق موقعیت کنونی جهان اسلام در تبیین حقایق دین مبین اسلام و شخصیت منحصر به فرد پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) که پیامبر صلح و دوستی است و شناساندن وی به جهان تشنه ی معنویت و عدالت، تلاش و افزون داشته، راه را بر خرافه و تحجر و توطئه های دشمنان اسلام ببندند.

و اما درباره سیره حضرت امام خمینی «روحی فدا»؛ تا آنجا که اینجانب مطلع است شاید در طول تاریخ کسی را جز حضرت امام نشناسم تا به طور قطع بگوییم که ایشان مثل حضرات معصوم اند؛ زیرا همانگونه که مشاهده خواهیم نمود ایشان «نعلاً بنعل» - چه در عقیده و چه در عمل - پیرو معصومین (علیه السلام) بوده اند؛ لذا حضرت امام برای ما بهترین نمونه ی «زمانی» و «شخصیتی» برای درک صحیح از نحوه سلوک رسول خدا و آیینه بودن ایشان می باشند علاوه بر این، حقیر چنین پنداشته است که بهترین راه برای دفاع از شخصیت والای حضرت امام این است که نشان دهیم که این شخصیت بزرگوار مثل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می اندیشیده عمل می نموده پس قابل اطاعت است.^۱ از طرف دیگر انقلابی که برخاسته از عمق رأی و نظرایشان است، در امتداد حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است و مزید بر این ها و شاید مهمترینش

۱- در حوزه اوامر حکومتی ولایتی..

این است که در مقابل این اندیشه - که هر وقت یادی از اعمال مبارک حضرات معصوم (علیه السلام) می شود می گویند «ایشان معصوم هستند و ما نمی توانیم مانند ایشان شویم، ایشان کجا و ما کجا؟» - اثباتاً بگوئیم که افراد غیر معصوم نیز می توانند مانند ایشان باشند. زیرا این خواست قرآن کریم است: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة»^۱ «همانا رسول خدا الگو و اسوه ای نیکو برای شماست.»

حضرت امام (قدس سره) را باید از یک زاویه دیگر هم نگریست - که در این مجال اقتضای پرداختن به آن بخش عظیم زندگی ایشان نیست - و آن بعد جهانی شخصیت حضرت روح الله است که گوشه ای از آن را از زبان شهید بزرگوار «آوینی» ذکر می کنیم: «... این امام خمینی بود که هر آنچه در تقدیر تاریخ انسان این عصر بود ظاهر کرد. حیات انسان هایی چون او نفخه ای از نفخات روح الهی است که در تن انسان می دمید، در تن زمین مرده، و آن را حیات می بخشید. امام خمینی انسانی چونان دیگران نبود؛ ارقیب، انبیا و اصحاب آنان بود و مصداقی از مصداقی معبود «نبأ عظیم»... که هر هزار سال یکی می رسد، و مراد از این «هزار»، عدد هزار نیست؛ مراد آن است که او از خیل یادآوران است و مورد خطاب انما انت مذكر^۲. و مخاطب این سخن آنانند که به نامی از آنان در تاریخ های تمدن هست و نه در تاریخ رسمی، اما زمین هر چه دارد مادیون آن هاست. ایشان چون دیگر انبای بشر از خاک رویده اند، اما چون دیگران در خاک نمانده اند و سر بر آسمان برآورده اند. و فقط هم اینانند که از حقیقت باخبرند و دیگران را نیز اینان خبر کرده اند.

امام خمینی پیامبر تازه ای نبود، اما از یادآوران بود. از مخاطبان انما انت مذكر، که عهد فطری مردمان با خداوند را به آنان یادآوری کرد و بعد از چند قرن که از هبوط بشر در مصداق جمعی کلی می گذشت، چونان اسلاف خویش از ابراهیم و اسماعیل تا محمد (صلی الله علیه و آله) دوره ای از جاهلیت را شکست و عصر دیگری را پنداری را آغاز کرد. این عصر تازه را باید «عصر امام خمینی» نام نهاد، چنان که حتی آن بود که اعصار پیشین را نیز به انبیا و اوصیا و یادآوران دیگر انتساب می دادند. و مردمان همواره چنین کرده اند، اما تاریخ نویسان نه.

وجود امام خمینی و برکات آن را تنها کسانی می توانند درک کنند که در جست

۱- احزاب، آیه ۲۱.

۲- غاشیه، آیه ۲۱.

و جوی تاریخ تحول باطنی انسان بر کره زمین - که خاستگاه تحولات ظاهری اجتماعی و اقتصادی و سیاسی حیات او نیز هست - به تاریخ انبیاء رجوع می‌کنند. هم آنانند که در وصف امام خمینی می‌گویند «او بت شکنی دیگر از تبار ابراهیم بود.» و یا برای تبیین حقیقت مبارزه او با طاغوت به داستان موسی و فرعون در قرآن رجوع می‌کنند؛ و یا برای بیان شیوه مبارزه او در برابر دشمنان انقلاب اسلامی به واقعه کربلا باز می‌گردند. خود او حتی یکبار هم نشد که برای تبیین افعال و سیاست‌های خویش مردم را به تاریخ‌های مصطلح رجوع دهد. حتی برای یکبار نگفت که «من آمده‌ام ایران را به توسعه اقتصادی برسانم.» او خود را در برابر «احیای حیات باطنی بشر» مکلف می‌داند و می‌فرمود چون باطن انسان حیات یابد، امور مربوط به دنیای او هم اصلاح خواهد شد. و این لفظ «اصلاح» نیز با غایت تاریخ‌های تمدن از «اصلاح» فقط مشترک لفظی و مسبوق به یک «تحول انفسی» است که امام خمینی برای آن قیام کرده بود. به آن هم رسید و بی‌رودربایستی، همه تحولات تاریخی دهه شصت هجری و دهه هشتاد میلادی و دهه اول قرن پانزدهم هجری قمری، معلول همین علت یگانه است:

«قیام امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی... چه دیگران این حقیقت را بفهمند و چه نفهمند و از این پس نیز همه تحولات تاریخی در کره زمین در جهت تشکیل امت واحده اسلامی و قدرت گرفتن او در مبارزه‌ای بزرگ و بسیار جدی است که خواه ناخواه روی خواهد نمود.... و چنین است که پس از این تمامی دهه‌ها هر چه بیایند به جز او انتصاب نخواهند داشت.»^۱

از این رو جا دارد به گوشه‌ای از همت والای حضرت امام و نحوه‌ی سلوک ایشان نظر بیفکنیم تا بیش از پیش از پرتو پرفروغ آن مشعل هدایت و مصالح تهذیب و معنویت، چراغی در دل و جان خویش برافروزیم تا در همه‌ی عمر در صراط مستقیم که نشانمان داد و آن چیزی جز اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نبوده، حرکت کنیم. اما مطالب پیش رو: متأسفانه بیشتر نگاه‌ها به سیره عملی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نگاه تاریخی بوده است. و کم بوده است دیدی که واقعاً حق مطلب را از دیدگاه «تعلیم و تربیت با هدف انسان‌سازی» ادا کند و چنان سیره‌ای از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نشان دهد که آدمی احساس کند بعد از هزار و چهارصد سال هنوز در صدر اسلام و در

۱- روایت نزدیک از سید روح‌الله موسوی خمینی، شماره ۳.

کنار آن بزرگوار است. این نوع نوشته‌ها دارای دو اشکال اساسی اند: نخست اینکه نوشته‌ها حجیم و تخصصی بوده و سبب شده‌اند تا عموم افراد جامعه نتوانند از آنها بهره‌ی لازم را ببرند. و دوم اینکه کتب مزبور- عموماً- دور از دسترس مردم بوده‌اند. با توجه به نکات فوق، سعی نمودیم که این نوشته حداقل اشکالات مطرح شده را داشت باشد. همچنین در ابتدای کتاب فصلی تحت عنوان «کلیات» آورده‌ایم تا حایر مطالبی باشد که به نظر می‌رسد بیان آن برای استفاده‌ی بیشتر و بهینه از مطالب لازم و ضروری می‌باشد.

□ نحوه‌ی نگارش موضوعات سیره‌ای

ابتدا، پیرامون عنوان سیره^۱ از حیث موضوع‌شناسی، ضرورت و جایگاه آن بحث شده، سپس نظر دینی مبنی اسلام در قالب آیات و روایات مربوطه به آن بیان می‌شده، در ادامه‌ی سیره‌ی نبی اعظم (صلی الله علیه و آله) در قالب نمونه تاریخی بیان گردیده سپس سیره امام خمینی (ره) به صورت روایی در ذیل مطالب آورده شده است.^۲ در پایان از تمامی کسانی که حقیر را در به ثمر رساندن این امریاری کرده‌اند کمال تشکر را دارم امید آن می‌رود که رسول خدا، نبی رحمت «روحی فدا» منت گذاشته و کاستی‌های کثیر آن را به دیده‌ی اغماض بخشیده و با کرم عالیه خویش این پیشکش را به عنوان «برگ سبزی، تحفه‌ی درویش» قبول فرمایند. ان شاء الله

والسلام علی من اتبع الهدی

۲۷ آذرماه ۱۳۸۷ هـ. ش

مصادف با هجدهم ذی الحجه

(عید سعید غدیرخم، ۱۴۲۹ هـ. ق)

۱- اصول مطروحه بر اساس حروف الفبا بوده و چندین اصل نیز به خاطر شاخصه‌های خاص نبوت چون عصمت، علم لدنی و... فاقد سیره در متون روایی می‌باشند و چند موضوع نیز با علامت * مشخص شده‌اند که علی‌رغم تلاش‌های فراوان موفق به یافتن و ذکر سیره‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشدیم.

۲- سعی شده در مورد ذکر منابع روایی به منابع اصلی مورد نظر ارجاع داده شود... و حتی المقدور از نوشتن منابع واسطه خودداری شده است.